

Research Article

***Criminal policy of supporting victims of emerging sects and its
jurisprudential foundations***

Hamidreza Jamshidi Larijani^۱, Ali Mansour^۲, Mazaher Khajvand^۳, Vali
Eslami^۴

Received: ۲۰۲۴/۱۰/۰۱ Accepted: ۲۰۲۴/۱۲/۱۲

Abstract

The spread of emerging cults in society has been increasing, and in recent years, many young people have joined these cults. This has made it necessary to examine criminal law approaches in this regard. One of the issues related to emerging cults that requires discussion and examination from a legal perspective is the victims of these cults. Accordingly, the purpose of this article is to examine the important question of what is the criminal policy approach of supporting victims of emerging cults and what are its foundations? This article is descriptive-analytical and uses a library method to examine the mentioned question. The findings indicate that in Iranian criminal law, the right to recognition of the victim's status and access to criminal justice, support for the victim in the discovery of the crime, the prosecution stage, the investigation stage and the issuance of a sentence for the offender are among the most important protections provided by the legislator for victims of emerging sects. Of course, these protections are general and not specific to this group of victims. Physical and psychological harm to individuals, sexual abuse, exploitation of individuals and pushing them into isolation and seclusion, material and financial damage, and damage to the family center are among the most important foundations of criminal policy in supporting victims of emerging sects.

Keywords: *Criminal policy, victim, emerging sects, discovery of crime, preliminary investigations, investigation stage.*

^۱ - PhD student in Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Science, Chalus Branch, Islamic Azad University, Chalus, Iran.

^۲ - Assistant Professor, Department of Law, Islamic Azad University, Nowshahr Branch, Nowshahr, Iran (Corresponding author). mazaher.khajvand@iau.ac.ir

^۳ - Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Law and Political Science, Islamic Azad University, Chalus Branch, Chalus, Iran.

^۴ - Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Law and Political Science, Islamic Azad University, Chalus Branch, Chalus, Iran.

مقاله پژوهشی

سیاست جنایی حمایت از بزه دیده‌های فرقه‌های نوظهور و مبانی فقهی آن

حمیدرضا جمشیدی لاریجانی^۵، علی منصور لکوریج^۶، مظاهر خواجه‌وند^۷، ولی اسلامی^۸

چکیده

گسترش فرقه‌های نوظهور در جامعه روند فزاینده‌ای داشته و در سال‌های اخیر جوانان زیادی به این فرقه‌ها پیوسته‌اند. همین امر بررسی رویکردهای حقوق کیفری در این خصوص را ضروری ساخته است. یکی از مسائل مرتبط با فرقه‌های نوظهور که از دیدگاه فقهی و حقوقی نیازمند بحث و بررسی است، بزه‌دیده‌های این فرقه‌هاست. بر همین اساس، هدف مقاله حصر بررسی این سوال مهم است که رویکرد سیاست جنایی حمایت از بزه دیده‌های فرقه‌های نوظهور چیست و مبانی فقهی آن کدام است؟ این مقاله توصیفی تحلیلی است و با استفاده از روش کتابخانه‌ای به بررسی سوال مورد اشاره پرداخته است. یافته‌ها بر این امر دلالت دارد که در حقوق کیفری ایران، حق به رسمیت شناخته شدن جایگاه بزه دیده و دسترس به عدالت کیفری، حمایت از بزه‌دیده در کشف جرم، مرحله تعقیب جرم، مرحله رسیدگی و صدور حکم مجازات بزه‌کار از مهمترین حمایت‌های قانون‌گذار از بزه دیده‌های فرقه‌های نوظهور است. البته این حمایت‌ها، عام بوده و فقط خاص این دسته از بزه‌دیدگان نیست. آسیب جسمی و روحی به افراد، سوءاستفاده‌های جنسی، بهره‌کشی از افراد و سوق دادن به انزوا و گوشه نشینی، آسیب ماد و مالی و آسیب به کانون خانواده از مهمترین مبانی سیاست جنایی حمایت از بزه دیده‌های فرقه‌های نوظهور است.

واژگان کلیدی: سیاست جنایی، بزه دیده، فرقه‌های نوظهور، کشف جرم، تحقیقات مقدماتی، مرحله رسیدگی.

^۵ - دانشجوی دکتری، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران.

^۶ - استادیار، گروه حقوق، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران. (نویسنده مسئول) Dr.ali.mansor@gmail.com

^۷ - استادیار، گروه حقوق، واحد نوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، نوشهر، ایران.

^۸ - استادیار، گروه حقوق، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران.

اصالت تجربه و تحصیل‌گرائی گرایش‌های معنوی و دینی را تحت‌الشعاع قرار داده و چهره واقعی دین و معنویت در بین طیفی از جوانان به خاموشی گراییده است. این مسئله به بن‌بست‌های شدید روحی و اخلاقی انجامیده است. به همین دلیل بشر امروز به معنویت روی آورد که خدامحوری در آن مورد غفلت قرار گرفته است و در عین حال تفکرات عرفان شرقی به‌ویژه آیین بودیسم و تکنیک‌های یوگا و مدیتیشن به سرعت گسترش یافته است (شعبانی ساروئی و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۲۱). امروزه انواع و اقسام نحله‌ها و فرقه‌های مدعی عرفان و معنویت در جامعه گسترش پیدا کرده‌اند. امروزه کشور با ظهور فرقه‌های نوظهور مواجهه شده است و «این جنبش‌ها با دعوت به معنویت و وعده‌های فریبنده‌ای همچون تجربه مکاشفه عرفانی کسب آرامش فکری و روحی، ورود به عوالم معنوی، رسیدن به جهانی سرشار از عشق، صلح و دوستی و رسیدن به حقیقت و مانند آن را به هواداران خود دادند این فرقه‌ها با برقراری کلاس‌ها و دوره‌های آموزشی و با استفاده از ابزارهای گوناگون همچون موسیقی و برپایی اردوها و مسافرت‌ها و دیدار با استادان به‌ظاهر معنوی، پیروان خود را امیدوار نگاه‌داشته و به تدریج آنان را در برابر اصول و اعتقاداتشان سست می‌کنند. برخی هم با شکستن هنجارهای اجتماعی و دعوت به چهارچوب شکنی اخلاقی، کسب لذت‌های جنسی نامشروع، استفاده از انواع مواد مخدر و توهم‌زا و نیز با استفاده از سحر و جادوگری اذهان جوانان و نوجوانانی را که به‌نوعی مبتلابه افسردگی و ناراحتی‌های روحی و روانی بود در به‌طرف خود جذب کردند» (شعبانی ساروئی و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۲۶) «در یک دسته‌بندی کلی می‌توان فرقه‌های معنوی و عرفانی فعال در ایران را به دودسته تقسیم کرد: دسته نخست: عرفان‌هایی که مدعی دین جدیدی هستند: مثل سای بابا، رام الله، انکار. دسته دوم: عرفان‌های غیردینی: مثل ساحری یا عرفان جادو، عرفان پائولو کوئلیو، فالون دافا، مدیتیشن متعالی یا TM» (شریفی، ۱۳۹۲: ۶۴). با توجه به روی آوردن آن‌ها به تکنولوژی‌های جدید مانند رسانه‌های اجتماعی مجازی و اینکه که جوانان، عموم کاربران این رسانه‌ها هستند، تأثیرات شگرفی بر این قشر ایجاد می‌کنند. بر همین اساس بررسی سیاست جنایی حمایت از بزه‌دیده‌های فرقه‌های نوظهور و مبانی آن ضروری است. مطابق آنچه گفته شد سوال مقاله بدین شکل قابل طرح است که سیاست جنایی در حمایت از بزه‌دیده‌های فرقه‌های نوظهور چه تدابیری اندیشیده و مبانی حمایت قانون‌گذار از بزه‌دیده چیست؟ به منظور بررسی سوال مورد اشاره ابتدا فرقه‌های نوظهور و بزه‌دیده و بزه‌دیده‌شناسی بررسی شده و در ادامه از حمایت‌های قانون‌گذار و مبانی این حمایت‌ها بحث شده است.

۲- فرقه‌های نوظهور

«نیاز به معنویت در دوران گذر از مدرنیته به پست‌مدرن و تشدید نیازهای روحی انسان، زمینه‌گرایش به فرقه‌های نوظهور را در غرب بیشتر نمود، چراکه در پی درهم شکستن و فروریختن بسیاری از افکار غربی که نقطه شروع اندیشه‌های فلسفی قرن ۱۹ و ۱۸ اروپا بودند و با برچیده شدن بساط اندیشه‌های فلسفی جدید توسط پست‌مدرنیسم، بیشتر متفکران و اندیشمندان معتقد شدند که دیگر مکاتب فلسفی نمی‌توانند گره از کار غربی‌ها بکشایند و تشنگی معنوی آن‌ها را رفع کنند» (شریفی، ۱۳۹۲: ۳۷). «از این‌رو به بعد از جنگ جهانی دوم به‌ویژه در ربع قرن گذشته جنبشی در آمریکا و اروپا جهت رفع نیازهای معنوی به وجود آمد و برخلاف مدرنیسم که مخالف تنوع‌طلبی و تکثرگرایی بود می‌کوشید که همواره حمایت‌کننده یک اندیشه باشد، پست‌مدرنیسم تکثرگرایی و شرایط شکل‌گیری فرقه‌ها و جنبش‌های گوناگون را رقم زد» (کاظم‌زاده، ۱۳۸۸: ۲۲۱-۱۸۳). «در چنین فضایی این فرقه‌ها در قالب

معنویت و نیازهای دینی به ترویج اموری پرداختند که هرگز تصور آن نمی‌شد. طالع بینی، جادوگری، ارتباط با ارواح و اباحی گری پاره‌ای از این القانات بود که در قالب معنویت و جنبش‌های نوظهور به بشر نیازمند ارائه گردید» (شعبانی ساروئی و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۲۱).

مبانی فکری عرفان‌های نوظهور عبارتند از: ۱) اومانیسیم: اومانیسیم که با قرار دادن انسان در کانون هستی به جای خداوند اصالت را به او داده و بر دو اصل زیر تأکید می‌کند. انسان محور هستی است و لذت‌های جسمانی هدف نهایی فعالیت‌های بشری به شمار می‌رود (تاجیک و احمدی، ۱۳۹۱: ۱۲۶-۱۰۷). آدمی باید برای رسیدن به سعادت تنها بر اسب تعدادهای درونی خویش تکیه کند و نیاز به تعالیم و حیانی ندارد. ۲) هندوئیسم: هندوها دین خود را آیین ازلی می‌دانند و پیامبری برای آن نمی‌شناسند و اصول اعتقادی، آیین‌ها و خدایانی که در هندو وجود دارد فراوان است (مظاهری سیف، ۱۳۸۷: ۱۴۷-۱۴۱). ۳) سکولاریسم: به معنی دخالت ندادن دین در شئون مختلف زندگی اجتماعی انسان و از ویژگی‌های بارز تمدن و فرهنگ غربی است. بذر سکولاریسم را نواندیشان غربی در قرن ۱۷ و ۱۸ برای راندن مذهب از متن زندگی اجتماعی انسان در افکار مردم کاشتند (جعفری، ۱۳۸۹: ۲۲۰-۱۹۷). بدین سان راه ورود اندیشه‌های الحادی را به غرب فراهم آوردند محور مهم این اندیشه‌ها محوریت دادن به انسان، علم‌گرایی ابزاری و اعتقاد به آزادی و آزاداندیشی مطلق بوده و شعار آزادی سکولاریستی از قیود اخلاقی، دینی، بیشتر بر دور شدن انسان از جایگاه واقعی خود تأکید داشت و زمینه پذیرش فرقه‌ها و گروه‌های انحرافی را برای برآوردن خواسته‌های نفسانی فراهم کرد.

«غایت عالی و هدف نهایی بسیاری از عرفان‌های نوظهور امری دنیوی و مادی است و شادی و امید به زندگی این جهان را می‌توان به‌عنوان عالی‌ترین اهداف عرفان‌های نوظهور به شمار آورد» (اشو، ۱۳۸۳: ۲۰۰). سای بابا در این باره تصریح می‌کند مأموریت من اعطای شوق و شادی به شماست که از ضعف و ترس دورتان کنم مأموریت من پراکندن شادمانی است. تنها آرزوی من شادمانی به شماست. شادی شما شادی من، شادمانی جدا از شما ندارم (کوندار، ۱۳۷۷: ۱۶۷). یکی دیگر از مشخصه‌های عرفان‌های نوظهور در بعد انسان‌شناسی، انکار معاد و جایگزین کردن آموزه تناسخ یا بازگشت‌های متوالی به جهان به‌جای آن است (شریفی، ۱۳۹۲: ۲۰۹). اشو معتقد است که یک انسان الی‌الابد دوباره و دوباره متولد می‌شود (شریفی، ۱۳۹۲: ۲۰۱۶). دلایلی لاما در توجیه تناسخ می‌گوید «کسانی که به تناسخ باور دارند در مصیبت‌ها یا اصلاً رنجی نمی‌برند یا تحمل مصیبت‌ها و جدایی دوستان و عزیزان برای او خیلی آسان است» (صفری شالی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۵۴-۱۳۷). علاوه بر این، شریعت ستیزی وجه مشترک همه عرفان‌های نوظهور شرقی و غربی است.

۳- بزه دیده و بزه دیده شناسی حمایتی

بزه دیده «کسی است که جرم از دیگری به ضرر او واقع شده باشد» (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸، ج ۴: ۳۲۳) «واژه بزه دیده به شخصی گفته می‌شود که به دنبال وقوع یک جرم آسیب و زبان یا آزار می‌بیند از این واژه در نوشتگان پارسی به قربانی یاد شده است» (رایجیان اصلی، ۱۳۸۱: ۱۱۸-۹۳). قربانی در واژه شناسی یعنی «آنچه یا آن که به نیت به دست آوردن رضایت خداوند ذبح می‌شود»، «آن که بر اثر حادثه‌ای، ناخواسته جان خود را از دست بدهد: قربانی تصادف، زلزله و ...»، «آن که به دلیل قرار گرفتن ناخواسته و غیرارادی در وضع دشوار و محیط نامناسب یا به موجب

عمل دیگری دچار مشکل و مصیبت شده است» (اردبیلی، ۱۴۰۳، ج ۲: ۱۳۳). در علوم جنایی زمانی به فرد زبان دیده، قربانی جرم یا بزه دیده اطلاق می‌شود که این آسیب و زیان محصول رفتار مجرمانه انسان باشد. برخی واژه قربانی را برای کسی که به هرگونه زبان یا آسیب (خواه مالی، بدنی، خواه درد و رنج عاطفی) دچار شده باشد به کار می‌برند (فتاح، ۱۳۹۷: ۱۰۰-۶۵). به عقیده برخی دیگر، «بزه دیده کسی است که یک خسارت قطعی، آسیبی به تمامیت شخصی او وارد آورده است و اکثر افراد جامعه به این مساله اذعان دارند» (لپز و فیلیزولا، ۱۳۷۹). نگل پیشنهاد می‌کند که واژه بزه دیده را از نگاه مجرم باید چنین تعریف کرد: «بزه دیده شخصی است که مجرم قصد کرده او بزه دیده واقع شود، حتی اگر بزه دیده‌ی ادعایی { مقصود } می‌داند که هیچ صدمه‌ای به او وارد نمی‌شود» (Nagel, ۱۹۶۳، ۴-۵). «بنابراین بزه دیده شخصی است که به دنبال رویداد یک جرم به آسیب بدنی روانی درد و رنج عاطفی، زبان مالی یا آسیب اساسی به حقوق بنیادین خود دچار شده باشد. واژه‌ی بزه دیده هم در بردارنده‌ی بزه دیدگان مستقیم و هم بزه دیدگان نامستقیم است، به دیگر سخن، نه تنها خود بزه دیده (بزه دیده مستقیم)، بلکه خانواده‌ی بزه دیده مستقیم را شامل می‌شود» (رایجیان اصلی، ۱۳۸۱: ۳۲). «در بررسی تعریف‌های صورت گرفته، می‌توان دو رویکرد کلی در این زمینه مشاهده نمود. از این دو رویکرد می‌توان به تعریف موسع و مضیق بزه دیده تعبیر کرد. در رویکرد تعریف موسع بزه دیده، آن چه مهم است، ورود ضرر و خسارت به دیگری است اما این که منشأ ایراد ضرر چیست اهمیتی ندارد. در نتیجه منشأ ایراد ضرر یا به تعبیر دیگر خاستگاه آسیب، ممکن است جرم، شبه جرم، بلایای طبیعی و ... باشد. اما در تعریف مضیق بزه دیده، آن چه اهمیت دارد خاستگاه آسیب است که انحصاراً واقع‌ای به نام جرم می‌باشد» (حاجی ده آبادی، ۱۳۹۶: ۳۱). در مقاله حاضر تعریف مضیق بزه دیده مورد نظر است. مهمترین هدف بزه دیده شناسی کاهش جرایم از طریق کاهش عوامل بزه‌دیدگی، حمایت از بزه‌دیدگان (از طریق کمک‌های پزشکی، جبران خسارت‌های بزه دیده، حمایت عاطفی از او و ...) و مساعدت به اجرای عدالت در صدور حکم است چه بسا مطالعه نقش بزه دیده در تحقق جرم به امر تبرئه یا تخفیف مجازات و تقلیل مسئولیت مجرم در جبران خسارت‌ها بی‌انجامد.

۴- رویکرد سیاست جنایی در حمایت از بزه دیده‌های فرقه‌های نوظهور

در این قسمت به بررسی به بررسی رویکرد سیاست جنایی در حمایت از بزه‌دیده‌های فرقه‌های نوظهور پرداخته می‌شود.

۴-۱- حق به رسمیت شناخته شدن جایگاه بزه دیده و دست‌سرسی به عدالت کیفری

حمایت کیفری دربرگیرنده مجموعه‌ای از تدابیر و شیوه‌های معمول مبارزه با بزه‌کاری و یا بزه‌دیدگی در حقوق کیفری می‌باشد. حقوق کیفری به عنوان یکی از شاخه‌های علوم جنایی حقوقی، نقش دفاع از حقوق جامعه و استقرار نظم عمومی از طریق معرفی رفتارها و کنش‌های ضداجتماعی و پیش‌بینی واکنش‌های اجتماعی علیه آنان را برعهده دارد تا بتواند به هدف عمده خود یعنی دستیابی به عدالت و اجرای دقیق آن نائل شود (جمشیدی لاریجانی، ۱۳۹۵: ۸۳). «شناخته شدن بزه‌دیده جرم، ابتدایی‌ترین حقی است که بزه دیده از جامعه طلب می‌کند و اگر این حق را برای بزه‌دیدگان خاص ایجاد کنیم، ضمن تشویق آن‌ها به دادخواهی حقوق از دست رفته خود نزد مراجع کیفری، می‌توانیم به اصلاح مفاسد و معایب مکتوم جامعه نیز بپردازیم» (آشوری و خدادادی، ۱۳۹۰: ۳۶-۳). این حق در بخش کلیات قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در چند ماده جلوه می‌نماید. مهم‌ترین ماده که سمت «بزه‌دیدگی» را صریحاً به رسمیت می‌شناسد، ماده ۱۰ این قانون است که در مقام تعریف بزه‌دیده برآمده است و چنین مقرر می‌دارد: «بزه‌دیده شخصی است که از وقوع جرم متحمل ضرر و زیان می‌گردد و چنانچه تعقیب مرتکب را درخواست کند، «شاکی» و

هرگاه جبران ضرر و زیان وارده را مطالبه کند، «مدعی خصوصی» نامیده می‌شود. به کارگیری عنوان بزه‌دیده در قانون الحق، بیانگر رویکرد بزه‌دیده مدار قانون‌گذار در این زمینه است. توجه به رویکردهای نوین سیاست جنایی در ادبیات قانون‌گذار ایرانی در حوزه کیفری اثر گذار بوده است. «یکی از آثار حقوق ناظر به شناسایی بزه‌دیده، حق دسترسی به عدالت کیفری است. از نشانه‌های جوامع پیشرفته و دموکراتیک، وضع قوانینی برای دسترسی افراد به عدالت و تظلم خواهی است. در واقع، باید شرایطی فراهم شود تا اطمینان حاصل گردد تمامی انسان‌ها می‌توانند از حقوق خود بهره‌مند شوند و بتوانند طی یک چارچوب رسمی به وسیله اشخاص، سازمان‌ها و اجتماعات مختلف به مراجع رسیدگی، دادرسان، وکلا و کارشناسان خبره مرتبط با موضوع خود دسترسی یابند» (رایجیان اصلی، ۱۳۸۱: ۱۱۷). نخستین ایستگاه دسترسی به نظام عدالت کیفری، نهاد پلیس است که نقش آن در مرحله کشف جرم جهت بهره‌مندی نخستین بزه دیده از بازوی اجرایی دستگاه قضا، به‌ویژه در جرائم مشهود، اهمیت فراوان دارد.

از نظر ساختاری نیز دسترسی به نهاد پلیس از حیث تکلیف پذیرش دادخواهی بزه‌دیده باید مورد توجه نظام های عدالت کیفری قرار گیرد. ماده ۳۷ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر می‌دارد: «ضابطان دادگستری موظفاند شکایت کتبی یا شفاهی را همه‌وقت قبول نمایند. شکایت شفاهی در صورت مجلس قید و به امضای شاکی می‌رسد، اگر شاکی نتواند امضاء کند یا سواد نداشته باشد، مراتب در صورت مجلس قید و انطباق شکایت شفاهی با مندرجات صورت مجلس تصدیق می‌شود. ضابطان دادگستری مکلف‌اند پس از دریافت شکایت، به شاکی رسید تحویل دهند و به‌فوریت پرونده را نزد دادستان ارسال کنند». بر مبنای همین رویکرد به بزه‌دیدگی، طرح و ثبت شکایت بزه‌دیده ویژگی‌هایی دارد. هر شکایتی باید توسط پلیس قضایی ثبت و به مقامات تعقیب ارسال شود. انجام شکایت باید به ساده‌ترین شکل ممکن و بدون ترتیبات رسمی باشد.

۲-۴- حمایت از بزه دیده در کشف جرم

این حق از نوآوری‌های قانون‌گذار است که در قانون سابق وجود نداشت. ماده ۶۲ قانون الحق در این زمینه مقرر داشته است: «تحمیل هزینه‌های ناشی از انجام وظایف ضابطان نسبت به کشف جرم، حفظ آثار و علائم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم، شناسایی و یافتن و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم، دستگیری وی، حمایت از بزه‌دیده و خانواده او در برابر تهدیدات، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی تحت هر عنوان بر بزه دیده ممنوع است». وانگهی، قانون حاضر نه تنها در مرحله کشف جرم بلکه در مراحل بعدی تحقیق نیز بزه دیده را در مواردی چون احضار شهود و مطلعین مورد حمایت مادی خود قرار داده است. حتی افزون بر چنین حمایتی، در آغاز مرحله کشف جرم و ثبت شکایت باید ابعاد خسارات وارده به وی نیز مورد توجه نهاد کشف کننده جرم یا پذیرنده بزه‌دیده قرار گیرد (ماده ۳۹ قانون آیین دادرسی کیفری). هر دو ماده پیش‌گفته از نوآوری‌های قانون‌گذار ایرانی است که پیش‌ازین سابقه نداشت و مبنای آن «بزه‌دیده‌شناسی» همچون یکی از شاخه‌های علوم جنایی تجربی است؛ بدین معنا که قید عبارتی چون «حمایت از بزه دیده و خانواده او در برابر تهدیدات»، آن هم بدون تحمیل هزینه‌های احتمالی مترتب بر آن مندرج در ماده ۶۲ بیانگر تقویت نقش مشارکتی بزه دیده در پیشبرد مطلوب فرآیند تحقیقات مقدماتی است که از آموزه‌های دانش بزه‌دیده شناسی ناشی می‌شود. با تصویب ماده ۳۹ قانون آیین دادرسی کیفری مبنی بر الزام ضابطین بر قید ادعای بزه دیده راجع به اعلام ضررهای وارده که می‌تواند شامل خسارات معنوی نیز باشد، تلاش شده است از همان ابتدا اعتماد بزه

دیده به دستگاه عدالت کیفری جلب شود و تمایل وی به اعلام جرم و ابعاد خسارت بار آن جهت داشتن نقشی فعال در تحقیقات مقدماتی مورد حمایت قانون گذار قرار گیرد؛ این مهم نیز با مبانی بزه دیده شناسی از حیث تضمین جایگاه بزه دیده و بهره‌مندی از مشارکت وی در تحقیقات جرم بی‌ارتباط نیست، به نحوی که حتی ضمانت اجرای عدم ذکر اظهارات شاکی در مورد ضرر و زیان، سه ماه تا یک سال انفعال از خدمات دولتی است.

۳-۴- حمایت از بزه دیده در مرحله تعقیب جرم

دامنه رعایت اصل قانونی بودن تعقیب تنها مشمول مقامات قضایی نیست، بلکه کلیه ضابطان قضایی را نیز دربر می‌گیرد و این اصل در تمامی انواع جرائم رعایت می‌شود. این برخلاف دامنه اصل مقتضی بودن تعقیب است که با توجه به قوانین موضوعه باید آن را محدود به تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده دانست. وانگهی، «اصل الزامی بودن تعقیب بدین معناست که مقام تعقیب نمی‌تواند با اختیار خود و بدون تصریح قانون گذار از تعقیب اشخاصی که متهم تلقی می‌شوند صرف نظر کند. به عبارت دیگر، هرچند درخواست تعقیب برای بزه دیده یک حق است، در صورت تقاضا، تعقیب متهم تکلیف مقامات دادسرا است. بنابراین، هر جا که تعقیب متوقف می‌گردد نیازمند تصریح موارد آن توسط قانون گذار است» (ابراهیمی راد، ۱۳۸۹: ۴). بندهای پنجگانه ماده ۶۴ قانون آیین دادرسی کیفری، جهات قانونی شروع به تعقیب را مقرر کرده است که در صورت تحقق هر یک، دادستان ملزم به تعقیب جرم و رسیدگی به ادعای مطرح شده است. باید توجه داشت که جهات تعقیب مندرج در ماده فوق متفاوت از جهات تحقیق است که به مراحل بعدی تحقیقات مقدماتی مربوط می‌شود. «قانون گذار شکایت و یا اعلام جرم از بزه دیده را از جهات قانونی شروع تعقیب می‌داند. جایگاه بزه دیده در فرآیند تعقیب از دو جهت توجه کردنی است. نخست، در جرائم گذشت ناپذیر که مشمول تعقیب عام می‌شود. در این سطح، باید گفت بزه دیده همچون فردی از اجتماع، تعرض وارده بر پیکره اجتماع را در قالب شکایت اعلام می‌کند و نماینده جامعه موظف به پیگیری آن است تا از رهگذر اعمال پاسخ‌های کیفری و سایر پاسخ‌هایی که نظام عدالت کیفری برمی‌شمارد با بزه‌کار برخورد شود و بزه دیده نیز حق دارد ضرر و زیان وارده ناشی از جرم را از بزه‌کار مطالبه کند. در چنین جرایمی، انگیزه نخستین در پیگرد مجرم، حمایت از جامعه در قبال بزه‌کار است» (رایجیان اصلی، ۱۳۸۱: ۱۱۲).

پس از کشف و تعقیب جرم، تحقیقات مقدماتی معنای خاص خود را پیدا می‌کند و با حضور متهم در دادسرا در کنار حضور بزه دیده، شهود و مطلعین وارد فاز تحقیق به معنای خاص کلمه می‌شود (نجفی توانا و سعادت مهر، ۱۳۹۴: ۷۲-۶۳). احضار، جلب، تفتیش و معاینه محل، کارشناسی و بازجویی از مهمترین سلسله اقدامات این مرحله است. «بزه دیده، افزون بر تحمل خسارات، درد و رنج‌های ناشی از بزه‌دیدگی، کرامت و ارزش انسانی خویش را از دست رفته می‌بیند و به دنبال بازسازی این وضعیت آشفته برمی‌آید. با ورود بزه دیده در پیچ‌وخم‌های دادرسی اعم از تعدد دادسرا، مراجعه کارشناسی، پرونده‌ها و سردرگمی بزه‌دیده در آن و سوء رفتارهای احتمالی مداخله مقامات قضایی و اجرایی، نامالایمات و خسارات مادی و روانی جدیدی بر وی بار می‌شود و نه تنها زمینه بزه‌دیدگی یا نامالایمات ثانوی و تکرار آن ایجاد می‌شود، بلکه لطمه جبران‌ناپذیری به کرامت انسانی او وارد می‌شود» (یوسفی مراغه، ۱۳۸۸: ۱۶۴-۱۳۳). شناخت این واقعیت، ضرورت تصویب قوانین مؤثر و مناسب با حقوق بزه‌دیدگان را به خصوص در مرحله اصلی تحقیقات مقدماتی ایجاب می‌کند.

۴-۴- حمایت از بزه‌دیده در مرحله رسیدگی

جهت انجام هرچه مطلوب‌تر تحقیقات مقدماتی، در فرآیند رسیدگی کیفری ممکن است مقامات قضایی دادسرا اعم از دادستان، بازپرس یا دادیاران تصمیماتی را اتخاذ کنند که به‌نوعی در تسریع و ختم تحقیقات پرونده اثر تمهیدی دارد. در صدور چنین قرارهایی، بزه‌دیده نیز افزون بر متهم دارای حقوقی است در ماده ۲۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری، که ناظر است بر صدور قرار موقوفی تعقیب در مواقعی که مرتکب حین وقوع جرم مجنون بوده است، باز از حق بزه‌دیده بر جبران خسارت چشم‌پوشی نشده است؛ تبصره ۲ ماده مذکور چنین مقرر داشته است: «چنانچه جرائم مشمول این ماده مستلزم پرداخت دیه باشد، طبق مقررات مربوط اقدام می‌شود». در مورد این تبصره باید گفت به‌موجب تبصره یک ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری در موارد سقوط دعوی عمومی، درباره دیه، مطابق قانون مجازات اسلامی عمل می‌شود. در ماده ۴۷۶ قانون مجازات اسلامی نیز در مورد فوت متهم مقرر شده است که دیه ساقط نمی‌گردد و حکم آن همانند سایر دیون متوفی است و از اموال وی استیفاء می‌شود. بنابراین، در خصوص جنون نیز باید همین حکم را جاری دانست. در این مورد توجه به ماده ۸۵ قانون آیین دادرسی کیفری نیز نشانگر حمایت همه‌جانبه قانون‌گذار از حق بر جبران خسارت متضرر از جرم است. حتی در اجرای سیاست هم‌زمان قضازدایی و عدالت ترمیمی، در ماده ۸۲ قانون مورد بحث، این امکان برای متهم فراهم شده تا بتواند خسارات وارده بر بزه‌دیده را با رضایت وی جبران کند.

علاوه بر این، اصل لزوم تسریع تحقیقات مقدماتی اقتضاء دارد تا هرچه سریع‌تر متهم در دادسرا حضور یابد و با انجام بازجویی‌های لازم و بررسی ادله و قرائن، وضعیت نابسامان بزه‌دیده روشن شود. اما گاه متهم از حضور در دادسرا علیرغم ابلاغ احضاریه، سرباز می‌زند که در عمل حقوق بزه‌دیده را در معرض خطر دوباره قرار می‌دهد. در این رابطه ماده ۱۷۹ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر می‌دارد: «متهمی که بدون عذر موجه حضور نیابد یا عذر موجه خود را اعلام نکند، به دستور بازپرس جلب می‌شود (...).» چنانکه از این ماده برمی‌آید اعمال حق مزبور با تشخیص خود بازپرس محقق می‌شود و ظاهراً تشریفات درخواست جلب متهم مطرح نیست. اما به هر حال مقررات فوق را باید به نفع متضرر از جرم و در راستای حقوق وی تفسیر کرد. در جایی دیگر، قانون‌گذار در تبصره ۲ ماده ۱۸۴ قانون آیین دادرسی کیفری برای بزه‌دیده در جلب متهم حق مشارکت قائل شده است، به‌نحوی که مقرر داشته است: «در صورت ضرورت، بازپرس می‌تواند برگه جلب را برای مدت معین در اختیار شاکی قرار دهد تا با معرفی او، ضابطان حوزه قضایی مربوط، متهم را جلب کنند و تحویل دهند».

۴-۵- حمایت از بزه‌دیده در صدور حکم و مجازات بزه‌کار

بر اساس ماده ۵۰۰ مکرر قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مصوب ۱۳۹۹: «هرکس در قالب فرقه، گروه، جمعیت یا مانند آن و استفاده از شیوه‌های کنترل ذهن و القائات روانی در فضای واقعی یا مجازی مرتکب اقدامات زیر گردد، چنانچه رفتار وی مشمول حد نباشد، به حبس و جزای نقدی درجه پنج یا یکی از این دو مجازات و محرومیت از حقوق اجتماعی درجه پنج محکوم می‌گردد. مجازات سردستگی فرقه یا گروه مزبور مطابق ماده (۱۳۰) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱/۲/۱۳۹۲ تعیین می‌شود: ۱- هر اقدامی که موجب تسلط روانی یا جسمی بر دیگری شود به نحوی که فرد مورد بهره‌کشی و سوء استفاده جنسی، جسمی یا مالی واقع شود و یا در اثر آسیب‌رسانی به

قدرت تصمیم‌گیری فرد و تشویق وی به ارتکاب جرایمی از قبیل اعمال منافعی عفت، مصرف مشروبات الکلی، مواد مخدر و یا مواد روان‌گردان، خود آزاری یا دیگرزنی، فرد مرتکب این اقدامات گردد. ۲ - هر گونه فعالیت آموزشی و یا تبلیغی انحرافی مغایر و یا مخل به شرع مقدس اسلام از طرقی مانند طرح ادعاهای واهی و کذب در حوزه‌های دینی و مذهبی از قبیل ادعای الوهیت، نبوت یا امامت و یا ارتباط با پیامبران یا ائمه اطهار (علیهم السلام) تبصره ۱ - تامین مالی و یا هر نوع حمایت مادی دیگر از گروه‌های موضوع این ماده با آگاهی از ماهیت آنها موجب محکومیت به حبس درجه پنج و جزای نقدی معادل دو تا پنج برابر ارزش کمک‌های مالی و حمایت‌های مادی ارایه شده می‌باشد. چنانچه مرتکب شخص حقوقی باشد به انحلال و پرداخت جزای نقدی مذکور محکوم می‌گردد. تبصره ۲ - ارتباط گروه‌های موضوع این ماده با خارج از کشور برای دریافت حمایت یا هدایت‌های تشکیلاتی موجب تشدید مجازات مقرر به میزان یک درجه می‌گردد. تبصره ۳ - اموال سردسته‌ها و اشخاص تامین‌کننده مالی گروه‌های موضوع این ماده که ناشی از جرم بوده یا برای ارتکاب جرم استفاده یا به این منظور تهیه شده باشد و اموال متعلق به گروه‌های مزبور به نفع بیت المال مصادره می‌گردد».

در خصوص ماده مورد اشاره چندین نکته قابل طرح است:

«تعیین مجازات باید بر اساس نوع و میزان صدمه‌ی وارده، وضعیت بزه دیده و بزه‌کار و اوضاع و احوال ارتکاب جرم و نوع احساس عدالت در جامعه‌ی بین‌المللی و کشور محل وقوع جرم برای برقراری تعادل روانی از دست‌رفته‌ی بشریت و بازدارندگی و بر پایه‌ی ارزش‌های جهان‌شمول تعیین و برای رسیدن به اهداف کیفری مؤثر و مفید باشد» (کوشا و زارعی، ۱۳۹۰: ۳۶۳-۳۳۲). قانون‌گذار در ماده ۱۳ از قانون آیین دادرسی کیفری نسبت به برقراری اصل تناسب میان جرم و مجازات اقدام نموده است. لیکن مقرر مزبور صرفاً در خصوص جرائم تعزیری می‌باشد و در خصوص جرائم حدود، قصاص و دیات که دارای مجازات شرعی ثابتی هستند امکان اعمال اصل فوق‌الذکر به صورت یک اهرم در اختیار قاضی وجود ندارد.

در زمینه اعمال جرائم توسط گروه‌های مجرمانه نیز با توجه به انگیزه مرتکبین جهت مبارزه و اصلاح مجرمین قانون‌گذار می‌بایست با در نظر گرفتن سیاست کیفری مناسب، قانون خاصی را تدوین نماید که در راستای اصلاح مجرمین باشد. مجازات سردستگی فرقه یا گروه مزبور مطابق ماده (۱۳۰) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ تعیین می‌شود. منظور از القا در متن فوق تحمیل کردن کار یا چیزی به شخص به منظور پذیرفتن بدون هیچ قید و شرط می‌باشد. در این حالت شخص از لحاظ ذهنی و روانی تحت تأثیر قرار گرفته و توانایی نه گفتن در خصوص موضوع مورد درخواست رهبر فرقه، هرچند در حالتی که عملی اشتباه باشد را ندارد.

منظور از تسلط روانی این است که فرد در حدی تحت تأثیر دستورات رهبر فرقه باشد که به صورت ناخودآگاه سر سپرده دستورات رهبر باشد حتی در حالتی که می‌داند عمل اشتباه است. به عبارتی دیگر، تهدید و اکراه مدنظر نیست چراکه اکراه درجه ضعیفی از اجبار است، اما در این خصوص فرد به دلیل قبول اعتقادات فرقه به طور کلی خود را در اختیار فرقه قرار داده و با تمایل خود بر اساس آموزه‌های فرقه اقدام می‌نماید و از آنجایی که رفتار وی آگاهانه و بر اثر پذیرش آموزه‌های فرقه می‌باشد و به دلیل پذیرش قواعد حاکم از فرقه به تبعیت بی‌چون و چرا از فرقه می‌پردازد تحت تسلط فرقه می‌باشد (فلاح؛ تقی پور، ۱۴۰۲: ۵). مصادیقی که بعد از جمله از قبیل ذکر گردیده از لحاظ وجه اشتراک صرفاً اعمالی هستند که در نزد عوام قبیح بوده و برای به دست آوردن سایر مصادیق می‌بایست کلمه از قبیل را با توجه به

صدر تبصره تفسیر کرد. در صدر تبصره تمامی استفاده‌های جنسی، جسمی و مالی مورد تصریح قرار گرفته است. به عبارت دیگر از قبیل بیان تعدادی از موارد عام بوده و هر عملی را می‌توان تحت این تبصره گنجانند و به قاضی اجازه می‌دهیم نظر شخصی خود را در این تبصره دخالت دهد که این خود یکی از موارد ایراد می‌باشد.

علاوه بر این، جرائم ارتكابی توسط فرقه‌ها می‌تواند تحت عنوان حد، قصاص، دیات و تعزیر صورت پذیرد (تقی زاده شاهرخ آبادی، ۱۳۹۹: ۳۲۴-۲۸۵). نکته قابل توجه این است که مصادیق مصرح در ماده مانند بهره‌برداری جسمی نیز می‌تواند گاهی منجر به وقوع قتل گردد، مانند استفاده از تسخیر ذهن دیگری و ترغیب وی برای قتل. در این حالت فرد مورد سوءاستفاده از طریق کنترل ذهن و تسلط بر جسم گردیده است. نکته قابل توجه این است که اگرچه فشار روانی است که بر یک شخص تحمیل می‌شود که در اثر آن اختیار و آزادی اراده در لحظه ارتکاب آن رفتار سلب می‌شود.

مطابق نظر مشهور فقهی، اگرچه در قتل مجوز قتل محسوب نمی‌شود. بلکه مباشر به قصاص و اگرچه کننده به حبس ابد محکوم می‌شود. این نظریه مبنای قانون‌گذار در وضع مقررات راجع به اگرچه در قتل در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ و ۱۳۹۲ بوده است (شاکری و پورا کبری نومندانی، ۱۳۹۷: ۲) با این تفاسیر آیا در این حالت با توجه به حالت قتل می‌توان پذیرفت اگرچه در قتل رافع مسئولیت مرتکب نمی‌باشد و نقش فرقه در این خصوص را نادیده انگاشت؟ در پاسخ به سؤال فوق می‌توان چنین گفت که با توجه به اینکه در ماده مذکور در این خصوص مقرره‌ای تدوین نگردیده است، فارغ از حالت وقوع جرم می‌بایست بر اساس عمومات قانون در خصوص قصاص، تصمیم‌گیری نمود و در این میان نقش فرقه‌ها در ارتکاب این جرم در تعیین مجازات را نادیده انگاشت.

ایرادات دیگر ماده ۵۰۰ مکرر، نقش انگیزه در ارتکاب جرائم دینی و در نظر نگرفتن موارد تخفیف و تشدید مجازات است. با عنایت به موارد فوق که در خصوص جرم انگاری اعمال گروه‌های مجرمانه است، از خلاء قانونی موجود، صرفاً دو ماده در اواخر سال ۱۳۹۹ به قانون مجازات اسلامی ایران الحاق گردید که نه تنها خلاء قانونی موجود رفع نگردیده است بلکه با ارجاع جرائمی مانند: حد به مواد سابق و همچنین جرم انگاری جرائمی که با سایر جرائم هم پوشانی دارند مشکلات مضاعفی را ایجاد می‌نماید که در ادامه به شرح آن پرداخته می‌شود، لذا قانون موجود صرفاً بیان مقررات سابق بدون در نظر گرفتن هدف از وضع قانون در خصوص فرقه‌های مجرمانه دینی می‌باشد.

نکته قابل توجه آن است که در ماده ۵۰۰ مکرر در خصوص جرائم منجر به مجازات قصاص اظهار نظر نگردیده بود لذا در این بین در صورت ارتکاب جرم منتج به قصاص توسط پیروان فرقه، سردسته به استناد ماده ۵۰۰ مکرر به مجازات محکوم می‌گردد، اما مرتکب به استناد مواد عمومی قصاص مجازات می‌گردد (قلی زاده و شاکری، ۱۳۹۷: ۱۲۱-۹۹).

فردی که تحت آموزه‌های غلط دینی فرقه مرتکب جرمی گردیده که مجازات آن قصاص می‌باشد با اعمال ماده مذکور همانند یک فرد عادی که جرم مستوجب قصاص را انجام داده مجازات می‌گردد و سردسته که آموزه‌های اصلی وی محرک اصلی بوده به عنوان معاون مجازات می‌شود. از منظر فقهی معاونت بر اثم یعنی ایجاد مقدمه‌ای از مقدمات فعل دیگری اگرچه تهیه مقدمات از روی قصد نباشد و فاعل نیز در انجام آن فعل مستقل باشد مشروط به این که جرم محقق شود (خویی، ۱۴۳۰، ج ۱: ۲۷۷).

یکی از مهم‌ترین عوامل و شرایط تحقق مسئولیت کیفری بحث قصد ارتکاب جرم می‌باشد زمانی که فرقه نسبت به تغییر اهداف خود نسبت به اعمال مجرمانه اقدام می‌نماید نمی‌توان مؤسس اولیه فرقه را که هیچ‌گونه نقشی در ارتکاب این جرائم ندارد و حتی فی الحال عنوان سردسته به وی اطلاق نمی‌گردد را به‌عنوان مجرم تلقی نمود چراکه فقدان قصد که یکی از عوامل و شرایط مؤثر مسئولیت کیفری می‌باشد وجود ندارد. از سوی دیگر ممکن است تشکیل‌دهنده گروه مجرمانه یک نفر باشد اما اداره‌کننده گروه شخص دیگری باشد در این حالت اگر هر دو نفر با آگاهی کامل نسبت به اقدامات خود فرقه را به سمت یک گروه بزهکاری هدایت نماید به هر دو با توجه به تعریف سردسته می‌توان عنوان سردستگی گروه مجرمانه را اعطا نمود و هر یک را به مجازات سردستگی گروه مجرمانه محکوم نمود.

۵- مبانی حمایت از بزه دیده فرقه‌های های نوظهور

فرقه‌ها با اهداف خاصی شکل می‌گیرند و این اهداف در سکس، شهرت، کسب ثروت، قدرت خلاصه می‌شود. این گروه‌ها برای رسیدن به اهدافشان از شیوه‌های بسیار پیچیده‌ای فریب‌کاری استفاده می‌کنند در این بین آسیب‌های فراوانی به جامعه وارد می‌کنند. این آسیب‌ها که، مبنای حمایت از بزه‌دیده فرقه‌های های نوظهور است، عبارتند از:

۱-۵- آسیب جسمی و روحی به افراد

اصلی‌ترین قربانی فرقه‌ها اعضا هستند. «آنان وقتی وارد فرقه می‌شوند استقلال روانی و گاهی اوقات استقلال فیزیکی خود را از دست می‌دهند و به تعبیری آماده اجرای فرمان‌های صادره از طرف فرقه هستند. این فرامین می‌تواند شامل از میان برداشتن رقبای فرقه‌ای، خودکشی و ... باشد» (شهباز نژاد، ۱۳۹۰: ۲۱۷). فرقه‌های نوظهور عمدتاً با پیروی از اومانیست و عرفان‌های سکولارگرایی ابزارهایی چون مصروف مواد مخدر، روان‌گردان و تخریب نظام خانواده فرد را در مسیر تجربه‌های باطل و رو به تاریکی سوق می‌دهند. «در برخی موارد آسیب‌های وارده به آن‌ها غیرقابل جبران است و در مواردی که شخص آسیب کمتری دیده با درمان‌های فراوان باز هم نمی‌تواند همانند یک شهروند متعادل در جامعه حضور مؤثر داشته باشد» (شعبانی ساروئی و همکاران، ۱۳۹۴: ۴۲۳).

۲-۵- سوءاستفاده‌های جنسی

فرقه‌ها از سکس به‌عنوان راهی برای جذب اعضای جدید به فرقه استفاده می‌کنند. به‌عنوان مثال، فرقه TSM با بیان اینکه هر فردی باید بتواند عاشق دیگران باشد و این موضوع را به وضوح و با صدای بلند بیان نماید، افراط را از حد گذرانده و این عشق به نامحرمان نیز سرایت داده است. «در بسیاری از کلاس‌ها و جلسات TSM زن و مرد باید دیگر رهروان را در آغوش کشیده به ایشان بگویند دوستشان دارند، عاشقشان هستند و استاد شاخه تهران نیز خود را مادر همه‌ی رهروان خوانده همه مردان را به آغوش کشیده ابراز علاقه نموده است. در هنگام خواندن سرود زن و مرد نامحرم دست یکدیگر را گرفته آواز خوانده تا به شور و شوق رسند. در مراسم تمرین مردن، زیر بدن رهرو را دیگر نامحرمان گرفته و او را به دوش خود حمل نموده و بدن وی را لمس می‌نمایند» (شهباز نژاد، ۱۳۹۰: ۲۳۹). و در اردوها حجاب را رعایت نکرده، ارتباط صمیمی داشته و در هر صورت در TSM چیزی به‌عنوان محرم و نامحرم وجود ندارد.

فرقه TSM، تحت عنوان meditation-self Technical یکی از محافل جلسات به اصطلاح عرفانی است رهبر معنوی این فرقه در ایران خانم نوشین غ است وی بالای ۵۰ سال سن دارد و آرشیوتکت می باشد قبلاً عضو فرقه آمریکایی اکنکار بوده و در حقیقت یک اکیست می باشد. TSM اصل عبادت را مدیتیشن می داند عبادت را تونلی به سوی نور دانسته و عمق را مدیتیشن می داند و معتقدند که نماز دروازه و یا راهروی یک تونل ولی مدیتیشن عمق و ژرفای این تونل است لذا رهروان ایشان با رسیدن به عمق و ژرفای عبادت دیگر به نماز و دروازه آن نیازی احساس نمی نمایند.

۳-۵- بهره‌کشی از افراد و سوق دادن به انزوا و گوشه نشینی

وقتی اعضای گروه حاضر نباشند خواسته‌ها و فرامین رهبر را تمکین کنند در این موقع رهبر از روش تهدید معنوی برای تمکین نمودن آن‌ها استفاده می کند یعنی القا می کند که مانع رسیدن پاداش‌های معنوی به این فرد می شود، زیرا «در عرفان‌های نوظهور وصول به مقامات بالاتر معنوی و روحی و خودشناسی و شکوفایی معنوی تنها و تنها در سایه خواست و عنایت استاد میسر است. به عنوان مثال در اکنکار به جای توسل به خدا برای حل مشکلات، باید به پیر یا ماهانتا که رهبری اکنکار را به عهده دارد متوسل شد» (شریفی، ۱۳۹۲: ۲۲۶). این روش سرکوب کردن شخصیت معنوی، افرادی که به مربی خود به عنوان راهی برای رسیدن به قلمرو معنوی می نگرند می تواند یک تجربه معنوی بسیار آسیب‌زا باشد.

«یکی از آسیب‌های جدی که عرفان‌های نوظهور بر جامعه تحمیل می کنند، دعوت پیروان و مریدان خود به گوشه نشینی، انزوا و دوری از جامعه و دغدغه‌های اجتماعی است. آن‌ها این کار را بیشتر برای کسب توجه و تمرکز لازم و ضروری می دانند. در چنین عرفان‌هایی اصل توجه، تمرکز و مدیتیشن است. بدین منظور، هر چیزی که باعث تقویت این حالت شود خوب و باارزش و هر چیزی که موجبات ضعف در تمرکز و توجه را فراهم آورد، بد و بی ارزش تلقی می گردد. این شاخصه و خصوصیت را می توان در بسیاری از عرفان‌های نوظهور که در ایران فعال هستند نیز به وضوح مشاهده کرد» (شهباز نژاد، ۱۳۹۰: ۲۴۰)

فرقه‌ها برخی از بهترین استعدادهای جامعه را از آموزش و ادامه تحصیل باز می دارند. بسیاری از این افراد با توانایی ذهنی و همت بالا به جای اینکه در خدمت بشریت از طریق علم پزشکی، تدریس و سایر مشاغل قرار گیرند. در عوض به فرقه‌ها کشانده می شوند. تا جایی که نهایتاً سال‌های عمرشان را فقط برای قدرت و منافع رهبر فرقه صرف کارهای غیرانسانی و غیرقانونی می کنند. این افراد بهترین سال‌های زندگی‌شان را از دست داده‌اند. و وقتی از فرقه جدا می شوند ممکن است نتوانند توانایی‌ها و استعدادهای قبلی‌شان را به کار گیرند. چون در بسیاری از زمینه‌ها عقب افتاده‌اند.

۴-۵- آسیب ماد و مالی

فرقه‌ها با فریب اعضا به دنبال افزایش سرمایه هستند. سوءاستفاده از نیروی اعضای فرقه جهت کسب درآمد، دریافت کمک از مردم در پوشش مؤسسات خیریه‌ای فرقه‌ها در برخی موارد در قالب مؤسسات خیریه‌ای به افراد مراجعه می‌کنند این مؤسسات چیزی نیستند که در ظاهر به نظر می‌رسند. این مؤسسات از پروسه‌های بازسازی فکری، که می‌تواند موجب آسیب‌ها و صدمات قابل ملاحظه و حتی تخریب روانی در برخی افراد شود استفاده می‌کنند (شهباز نژاد، ۱۳۹۰: ۲۶۶). «بسیاری از مروجان و مبلغان عرفان‌های نوظهور در کشور دنبال اهداف مادی و اقتصادی هستند و سعی می‌کنند با طرح مسایل عرفانی و آموزه‌های آن‌ها از یوگا و مراقبه و مدیتیشن گرفته تا سحر و جادو و رساندن افراد به خلسه عرفانی و آرامش و غیره از سادگی آن‌ها استفاده کرده و با توجه به روحیات معنوی مردم و علاقه آن‌ها به مسایل معنوی و همچنین وجود مشکل‌های زیادی که میان مردم وجود دارد (سیگار و نوشیدنی‌های الکلی) منع نشده‌اند، اما اک موضوعاتی، همانند سقط جنین، طلاق یا گرایش‌های جنسی، مانند همجنس‌بازی را امری شخصی تلقی می‌کند و درباره آن‌ها نظری نمی‌دهد. راه نزدیکی بیش‌تر به خداوند از دیدگاه اک، تقوا و پرهیزکاری نیست، بلکه میزان دارایی‌هایی است که یک اکیست باید برای حق عضویت خود بپردازد» (شعبانی ساروئی و همکاران، ۱۳۹۴: ۴۲۲). «حق عضویت‌های اکیست در کشورهای توسعه یافته ۱۳۰ دلار برای شخص و ۷۵ دلار برای خانواده کاهش می‌یابد، البته اکیست‌ها همه نوآموزان را مجبور به پرداخت شهریه نمی‌کنند و اساتید تمرینات ابتدایی را رایگان در اختیارشان قرار می‌دهند» اما وصل‌های اک و برنامه‌های ویژه آموزشی که به وسیله استاد زنده اک تهیه می‌شود فقط برای جویندگانی قابل دستیابی است که اکنکار را به‌عنوان مسیر معنوی خود انتخاب کرده‌اند و هزینه‌اش را به حساب مؤسسه واریز می‌کنند. تمرین‌های اک همگی حول محور مراقبه و ایجاد ارتباط در اشکال و حالات گوناگون با ماهانتا - بالاترین مرتبه خدانشناسی در زمین که بیش‌تر در کالبد استاد زنده اک تجلی می‌یابد - است و همه تمرین‌ها از سوی هارولد کلمپ همان استاد زنده اک در آمریکا طراحی می‌شوند» (احمدی، ۱۳۸۸، ج ۱: ۶۲). برگزاری انواع کلاس‌ها. فرقه‌ها در دنیا برای انتقال عقاید و تفکرات خاص خود به اعضا به برگزاری دوره‌های آموزش می‌کنند و آن‌ها با انجام این کار و دو هدف را دنبال می‌کنند. به عنوان مثال فرقه کیهانی در یک دوره زمانی بدون مجوز رسمی برای آموزش اقدام به برگزاری کلاس در تهران و چند شهر دیگر نموده بود که بابت دوره‌ها، هزینه دریافتی می‌کرد.

۵-۵- آسیب به کانون خانواده

بیشترین آسیب از ناحیه فرقه‌ها متوجه قلب اجتماع یعنی خانواده است. خانواده‌ها زمانی که شاهد تغییر مذهب فرزندان‌شان، یعنی ورود آن‌ها به یک گروه فرقه‌ای هستند، غالباً از هیچ تلاشی برای منصرف کردن و حجاب نمودن فرزندان‌شان دریغ نمی‌کنند. اما در اغلب موارد به دلیل فریب‌کاری فرقه‌ها از تلاش‌شان چیزی جز ناکامی نصیب آن‌ها نمی‌شود (شهباز نژاد، ۱۳۹۰: ۲۱۰). فرقه‌ها باعث دوری افراد از خانواده‌های خود می‌شوند و آسیب‌های اجتماعی فراوانی را متوجه نمادهای اجتماعی می‌کنند. اعمالی نظیر استفاده از مواد مخدر، نوشیدن مشروبات الکلی، اختلاط دختر و پسر و ... آرام آرام افراد را در مقابل خانواده خود قرار می‌دهد این امر گاه به‌جایی می‌رسد که افراد، تصویری خشن و منفی از پدر و مادر و نزدیکان در ذهن خود به وجود می‌آورند و دیگر به آنان اعتماد نمی‌کنند و آن‌ها را به‌صورت موقت و یا دائمی ترک می‌کنند که این اقدام موجبات سردرگمی و آشفتگی خانواده را فراهم می‌کند (شعبانی ساروئی و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۱۵). فرقه‌ها باهدف جذب افراد بیشتر به گروه از جاذبه‌های جنسی از قبیل آزادی روابط

دختر و پسر، روابط جنسی و ازدواج‌های معنوی، برگزاری‌های مهمانی‌های مختلط استفاده می‌کنند. که پیامد این رفتارها به صورت مستقیم دامن‌گیر خانواده و اجتماع می‌شود. «بالاین وجود میل افراد به ازدواج کم می‌شود و بدون وجود ازدواج و خانواده جهت تنظیم میل جنسی دچار آشفته‌بازاری از روابط جنسی خواهیم شد. که در آن انسان‌ها به حیواناتی جفت جو تبدیل می‌شوند که تحریکات جنسی در ایشان همه چیز و تعهد، مسئولیت هیچ است! همین قیود اخلاقی ازدواج و خانواده است که انسان‌ها را وامی‌دارد احساسات شهوانی خود را پالایش و آن را به سطح بالاتری هدایت کنند. سوگند وفاداری زوجین پرمعنی‌ترین لحظه در ازدواج است. با چنین سوگندی هر یک از دو زوج تعهد می‌کنند که عشق را از بی‌اعتقادی برهانند و آن را وقف اهداف بزرگ‌تر خانوادگی، اجتماعی و معنوی کنند» (شعبانی ساروئی و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۳۶). اشو درباره ازدواج می‌گوید: «من از ازدواج دل خوشی ندارم، چون ازدواج موفق می‌شود به تو ثبات و آرامش دائمی بخشد و خطر همین جاست که تو با یک اسباب‌بازی راضی می‌شوی» (اشو، ۱۳۸۲: ۲۵۳). «رهبران فرقه‌ها در بسیاری از موارد با ایجاد تصمیماتی که مبنای آن لذت طلبی یا شهوت است دستوراتی را صادر می‌کنند که باعث صدمه به بنیان خانواده‌ها می‌شود. رهبر به یک از زوجین که وارد گروه شده این‌گونه القا می‌کند که همسرت مانع سیر و سلوک تو است باید او را ترک کنی تا هیچ وابستگی نداشته باشی. دلایل متعددی را می‌توان برای این عمل رهبران گروه ذکر کرد، مانند وابستگی شدید فرد به خانواده یا درز کردن اخبار فرقه به بیرون گروه باعث اتخاذ این سیاست از جانب رهبر گروه می‌شود» (شهباز نژاد، ۱۳۹۰: ۲۱۵).

۶- ضرورت توجه به پیشگیری از بزه‌دیدگی ثانویه

«پیامدهای بزه‌دیده‌شناسی ثانویه البته این تحول بزه‌دیده‌شناسی و پیمایش‌های حمایت از بزه‌دیدگان خالی از پیامد جدی نبود. یکی از پیامدهای آن توجه دوباره به مفهوم جرم در جرایم سنتی است. جرایمی که قربانیان آن ملموس، مستقیم و قابل رویت هستند و دیگر از جرایمی که بزه‌دیده ندارند یا قابل رویت نیستند بحثی نمی‌شود و به عبارتی آنها تنها از جرایمی یاد می‌کنند که اصطلاحاً به آنها جرایم خیابانی با یقه آبی می‌گویند و جرایم آپارتمانی، اقدامات بانندی و جرایم اشخاص حقوقی که سبب آسیب‌های اجتماعی شدیدی می‌شوند، به بوته فراموشی سپرده شده‌اند. علی‌رغم اینکه جرایم سازمان یافته و گروهی ممکن است میلیون‌ها نفر را قربانی کنند. حتی می‌توان گفت بطور کلی در مورد بقیه اقدامات آسیب‌رسان اجتماعی، حتی آنهایی که به عنوان جرایم قانونی توصیف می‌شوند به همین منوال است» (رایجیان اصلی، ۱۳۸۱: ۱۵). پیامد منفی دیگر این است که جهت‌گیری حقوق جزایی و عدالت کیفری به سمت سزادهی مجرمان می‌باشد و متعاقب آن مفهوم اصالح و درمان مجرمان کنار گذاشته شده و حقوق بزه‌دیده‌گان مطرح می‌شود؛ و به عبارتی، طرفداران این نوع بزه‌دیده‌شناسی در مقابل حقوق بزه‌کاران، حقوق بزه‌دیدگان را ایجاد کرده‌اند. این پیامدها و دیگر ایراداتی که از سوی بزه‌دیده‌شناسان و جرم‌شناسان مطرح گشته است، سبب ایجاد شکاف و جهت‌گیری در بزه‌دیده‌شناسی شده و بی‌طرفی و عینیت را در بزه‌دیده‌شناسی تحت الشعاع خود قرار داده است.

عدم قاعده‌مندی و ناکارآمدی و ضعف طرح‌های حمایتی جامعه، تاثیر منفی را بر روی توانایی بزه‌دیدگان جهت بهبودی و تشفی خاطر پیدا کردن آنها داشته است. بزه‌دیدگی ثانوی از طریق عملکرد نادرست نظام قضائی منتهی به کاهش مشارکت بزه‌دیدگان در نظام اجتماعی شده است. پدیده بزه‌دیدگی ثانوی که در اثر کارکرد غیر صحیح نظام دادگستری

بروز می‌کند، بویژه در مورد اشخاص آسیب پذیر از قبیل مهاجرین و اقلیت ها درست است. عنصر دیگری که موجب بزه‌دیدگی ثانوی می‌شود، عدم تمایل بزه دیدگان جهت حضور در دادگاه است. «بزه دیدگی دومین به بزه‌دیدگی ای اشاره دارد که نه به منزله نتیجه مستقیم فعل مجرمانه، بلکه از رهگذر واکنش نهادها و افراد به بزه‌دیده روی می‌دهد. در نظام عدالت کیفری، بزه‌دیدگی دومین گاهی ممکن است به انکار کامل حقوق بزه‌دیدگان متعلق به گروه‌های خاصی از افراد جامعه منجر شود و یا ناشی از رفتار آزارنده یا نامناسب پلیس یا دیگر کارکنان نظام عدالت کیفری باشد. یا به گونه ای نامحسوس کل فرایند کیفری ممکن است موجب بزه دیدگی دومین گردد. بزه‌دیدگی دومین ناشی از فرایند عدالت کیفری ممکن است به دلیل دشواری های مربوط به برقراری تعادل میان حقوق بزه‌دیده در برابر حقوق متهم یا مجرم روی دهد. اغلب این نوع بزه‌دیدگی به دلیل عملکرد افراد مسئول در فرایند عدالت کیفری و آیین دادرسی مربوط به آن که دیدگاه بزه‌دیده را در نظر نمی‌گیرد، روی می‌دهد» (رایجیان اصلی، ۱۳۸۱: ۱۱۱). برخی از افرادی که بزه‌دیده با آنان در تماس است مانند خانواده، دوستان و همکاران ممکن است با سرزنش کردن بزه‌دیده برای آنچه روی داده، بخواهند خود را از تنش ناشی از جرم دور کنند. آنان ممکن است رفتار بزه دیده را به گونه ای بنگرند که در بزه‌دیدگی سهیم بوده یا حتی علت آن بوده است. همچنین ممکن است با ترغیب بزه‌دیده به فراموشی جرم، تاثیر جرم را بر بزه‌دیده انکار کنند. نیز در جایی که خود مجرم، حکومت است، مشکل اصلی بزه‌دیدگان می‌تواند به دست آوردن آگاهی از وقوع جرم باشد.

۷- نتیجه گیری

نتایج نشان داد در نظام عدالت کیفری ایران به حق دسترسی بزه دیده به نظام عدالت کیفری از رهگذر به رسمیت شناخته شدن جایگاه وی در نظام قانون گذاری دادرسی توجه شده است. قانون گذار در این باره از ادبیات متفاوتی نسبت به قوانین گذشته بهره برده و در اقدامی دفاع کردنی، عنوان بزه دیده را به طور رسمی وارد ادبیات قانون گذاری کرده و به تعریف آن پرداخته است. چنین نقشی به دنبال به رسمیت شناخته شدن، دارای حقوقی نیز می‌شود که در رأس آن حق بر دسترسی فوری به نظام عدالت کیفری قرار دارد. دسترسی فوری تنها بدین معنا نیست که بزه دیده در صورت وقوع جرم علیه او به سمت نهادهای کیفری گسیل شود، بلکه یکی از ویژگی‌های مهم نظام عدالت کیفری پویا، حضور به موقع بازوی اجرایی این نظام نزد بزه‌دیده یا محل کشف جرم است. از موارد مهم این ویژگی در مقررات ماده ۴۴ قانون آیین دادرسی کیفری جلوه می‌نماید که پلیس را به اقدامات فوری در جمع‌آوری و حفظ ادله جرائم مشهود مکلف کرده است. در جلوه‌های دیگر، ماده ۳۷ همان قانون بر پذیرش بی‌درنگ اعلام شکایت بزه دیدگان توسط ضابطان دادگستری تأکید کرده است. مقررات مربوط به مجازات فرقه‌های مجرمانه قبل از سال ۱۳۹۹ وجود نداشت و قضات برای تعیین مجازات افراد مجرمانه با سایر جرائم اقدام می‌کردند. به دلیل وجود فرقه‌های مذهبی، قانون گذار در سال ۱۳۹۹ ماده ۵۰۰ را به قانون الحاق کرد. این ماده به مجازات افراد در جرائم حدی اشاره دارد. اما در برخی موارد، این قانون نادیده گرفته شده است و به عنوان قانون ناکارآمد تلقی شده است. برای مقابله با فرقه‌های مجرمانه، لازم است قوانین فرهنگی و اقتصادی مناسب تدوین شود تا جامعه از جرائم ناشی از این فرقه‌ها محافظت شود.

در تمام موارد ذکر شده رویکرد بزه‌دیده مدار به معنای حمایت از بزه‌دیدگان خاص فرقه‌های نوظهور ملاحظه نمی‌شود و ناچار باید به همان قواعد کلی حمایت از بزه‌دیده مندرج در قانون آیین دادرسی کیفری تمسک جست. قانون آیین دادرسی کیفری ایران درباره مقررات حاکم بر مرحله تعقیب جرم، در زمینه توجه به حقوق بزه دیده، نسبت به سابق از

بالتدگی بهتری برخوردار شده است، چنانکه حالات مختلفی را که در آن بزه دیده امکان درخواست تعقیب جرم را نداشته در نظر گرفته است و راهکارها و تسهیلات ممکن جهت جبران این کاستی را در مواد ۷۰ و ۷۱ این قانون پیش‌بینی کرده است. اما قانون آیین دادرسی کیفری ایران جزئیات خاصی را مقرر نکرده است و به نظر می‌رسد نهاد تعقیب در این باره باید به قوانین عمومی بهداشت و سلامت و اصول کلی تکیه کند. از طرفی طبق رویکرد حمایتی بزه دیده مستحق حمایت و جبران خسارت است که نتیجه‌ی این رویکرد ایجاد نهادهایی جدید همچون خسارت زدایی عمومی یا دولتی با پیش‌بینی مقرراتی، حمایت خود را از بزه دیده به مراحل پایانی فرآیند کیفری نیز تعمیم داده اند و جبران خسارت‌های وارد شده بر وی را یکی از اهداف مهم فرآیند کیفری و اجرای عدالت می‌دانند. امروزه اهمیت این مسأله به اندازه‌ای است که از دیدگاه عدالت‌ترمیمی زمانی می‌توان گفت عدالت اجرا شده است که خسارت‌های بزه‌دیده به طور کامل جبران شده باشد. البته انتظار از نظام عدالت‌ترمیمی باید به طور معقول و واقع‌گرایانه باشد؛ زیرا استفاده از این نظام، محدودیت‌هایی دارد و نمی‌توان این انتظار از نظام عدالت‌ترمیمی داشت که در تمام جرایم، سازوکارهای ترمیمی پاسخگو باشد. اما باید گفت علی‌رغم وجود جلوه‌هایی از عدالت‌ترمیمی در نظام کیفری ایران، هنوز با این رویکرد و تفکرات جدید آن فاصله داریم. هرچند که افزایش میزان جرایم و به تبع آن تورم جمعیت کیفری، باعث شده است قانون‌گذار ضرورت استفاده از سازوکارهای ترمیمی را کاملاً درک کنند لیکن قوانین فعلی ما نمی‌تواند به نحو اثربخشی بر این مشکلات فایز آید.

فهرست منابع

منابع فارسی

۱. احمدی، آناهیتا (۱۳۸۸)، همیشه پای یک اکیست در میان است، جلد اول، چاپ اول، تهران، نشر موسسه جام جم.
۲. اردبیلی، محمدعلی (۱۴۰۳)، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، چاپ شصت و چهارم، تهران، انتشارات نشر میزان.
۳. اشو، راجینش (۱۳۸۲)، راز بزرگ، ترجمه روان کهریز، چاپ اول، تهران، انتشارات باغ نو.
۴. اشو، راجینش (۱۳۸۲)، مراقبه هنر وجد و سرور، ترجمه فرامرز جواهری نیا، چاپ اول، تهران، انتشارات فردوس.
۵. اشو، راجینش (۱۳۸۳)، شورشی، ترجمه عبدالعلی براتی، چاپ اول، تهران، نشر نسیم دانش.
۶. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۸)، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، جلد چهارم، چاپ اول، تهران، انتشارات گنج دانش.
۷. حاجی ده‌آبادی، احمد (۱۳۹۶)، جبران خسارت بزه دیده به هزینه دولت و نهادهای عمومی، چاپ دوم، تهران، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۸. رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۸۱)، بزه دیده در فرآیند کیفری، چاپ اول، تهران، انتشارات خط سوم.
۹. شریفی، احمدحسین (۱۳۹۲)، درآمدی بر عرفان حقیقی و عرفان‌های کاذب، چاپ دوازدهم، قم، نشر پرتو ولایت.
۱۰. شعبانی ساروئی، رمضان؛ میرمحمدی، داوود؛ نگارش، حمید و همکاران (۱۳۹۴)، جریان‌شناسی قومیت‌ها و فرق در ایران، جلد اول، چاپ دوم، تهران، نشر موسسه پیمان نواندیش.
۱۱. شهبازنژاد، امید (۱۳۹۰)، فرقه‌های نوظهور و آسیب‌ها، چاپ اول، مشهد، انتشارات معجزه.
۱۲. کوندار، سیما (۱۳۷۷)، تراش‌های الماس خداوند، ترجمه طاهره آشنا، چاپ دوم، تهران، انتشارات تعالیم مقدس.
۱۳. لیز، ژرار؛ فیلیزولا، ژینا (۱۳۷۹)، بزه دیده و بزه دیده‌شناسی، ترجمه روح‌الدین کردعلیوند و احمد محمدی، چاپ اول، تهران، انتشارات مجد.

۱۴. مظاهری سیف، حمیدرضا (۱۳۸۸)، جریان شناسی انتقادی عرفان‌های نوظهور، چاپ سوم، قم، نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

مقالات

۱۵. آشوری، محمد؛ خدادادی، ابوالقاسم (۱۳۹۰)، «حقوق بنیادین بزه‌دیده در فرآیند دادرسی کیفری»، دوفصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری، پاییز و زمستان، ۸ (۲): ۳-۳۶.
۱۶. تاجیک، ابوالفضل؛ احمدی، احسان (۱۳۹۱)، «جستاری در فرقه شناسی»، مجله معرفت ادیان، ۳ (۱۲): ۱۰۷-۱۲۶.
۱۷. تقی زاده شاهرخ آبادی، محبوبه (۱۳۹۲)، «نگاهی تحلیلی به نوآوری جرائم حدی در قانون مجازات ۱۳۹۲»، فصلنامه پژوهش‌های حقوقی قانون یار، ۴ (۱۴): ۳۲۴-۲۸۵.
۱۸. جعفری، علی اکبر (۱۳۸۹)، «فرجام شناسی کیهانی و شکل‌گیری فرقه‌های دینی ایران در آستانه تشکیل دولت صفوی»، ۱۱ (۲۱): ۱۹۷-۲۲۰.
۱۹. رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۸۱)، «تبيين استراتژی عقب نشینی یا تحدید دامنه مداخله حقوق جزا و جایگاه آن در ایران»، مجله حقوقی و قضایی دادگستری، ۶۶ (۴۱): ۹۳-۱۱۸.
۲۰. صفری شالی، رضا؛ تاجی اشکفتکی، محمدرضا؛ ودیعه، ساسان (۱۳۹۹)، «آسیب شناسی فرهنگ‌های نوپدید در ایران (مطالعه موردی)»، نشریه مطالعات ملی، ۴ (۲۱): ۱۵۴-۱۳۷.
۲۱. فتاح، عزت‌الله (۱۳۹۷)، «آینده جرم شناسی و جرم شناسی آینده»، ترجمه اسماعیل رحیمی نژاد، نشریه نامه مفید، ۱۰۰-۶۵ (۱۴).
۲۲. فلاح، امیر و تقی پور، علیرضا (۱۴۰۲) سیاست جنایی تقنینی ایران در برابر فرقه‌های انحرافی، اولین کنفرانس بین المللی حقوق، مدیریت، علوم تربیتی، روانشناسی و مدیریت برنامه ریزی آموزشی، تهران، (۱): ۱-۲۸.
۲۳. قلی زاده، بهروز؛ شاکری، ابوالحسن (۱۳۹۷)، «سردستگی در حقوق کیفری ایران»، مجله حقوقی دادگستری، ۸۲ (۱۰۳): ۹۹-۱۲۱.
۲۴. کاظم زاده، پروین (۱۳۸۸)، «بررسی عرفان‌های نوظهور (با تأکید بر آیین اکنکار)»، نشریه پژوهش نامه اخلاق، ۲ (۵): ۲۲۱-۱۸۳.
۲۵. شاکری، ابوالحسن؛ پوراکیبری نومندانی، سید امیر (۱۳۹۷)، «اکراه در قتل»، خوی، کنفرانس ملی دستاورد های نوین جهان در تعلیم و تربیت - روانشناسی - حقوق و مطالعات فرهنگی - اجتماعی، ۶ بهمن ماه.
۲۶. کوشا، جعفر؛ زارعی، محمدحسین (۱۳۹۰)، «اصل تناسب جرم و مجازات در حقوق بین المللی کیفری»، مجله تحقیقات حقوقی، ۱۴ (۷): ۳۶۳-۳۳۲.
۲۷. نجفی‌توانا، علی؛ سعادت‌مهر، سیدمحمد (۱۳۹۴)، «بازجویی - شیوه‌ها و بایسته‌ها»، فصلنامه کارآگاه، پاییز ۳ (۳۲): ۶۳-۷۲.
۲۸. یوسفی‌مراغه، مهدی (۱۳۸۸)، «خدمات‌رسانی به بزه‌دیدگان در مرحله تحقیقات مقدماتی»، دوفصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، ۴ (۱۳): ۱۶۴-۱۳۳.

پایان نامه

۲۹. ابراهیمی‌راد، مسعود (۱۳۸۹)، «اصل قانونی بودن تعقیب و ضرورت گرایش آن به سمت مقتضی بودن تعقیب در حقوق کیفری ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی استاد محمود آخوندی، قم، دانشگاه قم.
۳۰. جمشیدی لاریجانی، حمیدرضا (۱۳۹۵)، «بررسی فرقه‌های انحرافی از منظر بزه دیده شناسی حمایتی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی استاد شهید شاطری پور، نراق، دانشکده حقوق (دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق).

منابع عربی

۳۱. خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۳۰)، مصباح الفقاهه فی المعاملات (المکاسب)، جلد اول، چاپ چهارم، قم، موسسه احیا آثار امام خویی.

۱۹۴

منابع انگلیسی

مبانی قضی حقوق اسلامی

۳۲. Nagel, W.H (۱۹۶۳) The Nation of Victimology in Criminology, ۲th ed, London, Published MacMillan.